

جهاد: از ابن تیمیہ تا بن لادن



جهاد: از ابن تیمیه تا بن لادن

این مقاله نگاهی به سیر تکوینی معنی «جهاد» از صدر اسلام تا عصر حاضر خواهد داشت، و بیشتر بر معنی «جهاد» در گروه‌های اسلام‌گرای نظامی تکیه خواهد کرد. زیرا برداشت رهبران تندرویی از قبیل اسامه بن لادن از جهاد با معنی واقعی آن در سنت و قرآن و به ویژه در میان اهل شیعه متفاوت است. بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر به برج‌های سازمان تجارت جهانی از سوی القاعده، واژه «جهاد» به طور وسیعی در رسانه‌های غرب به کار رفت. در اغلب این موارد معنی واقعی جهاد تحریف شده و بعضاً اسلام مترادف با جهاد و خشونت دانسته شده است. این مقاله نگاهی به سیر تکوینی معنی «جهاد» از صدر اسلام تا عصر حاضر خواهد داشت، و بیشتر بر معنی «جهاد» در گروه‌های اسلام‌گرای نظامی تکیه خواهد کرد. زیرا برداشت رهبران تندرویی از قبیل اسامه بن لادن از جهاد با معنی واقعی آن در سنت و قرآن و به ویژه در میان اهل شیعه متفاوت است.

درآمد

از مجموع بررسی‌های علم‌واژه‌شناسی و آنچه درباره‌ی جهاد می‌گویند، می‌توان نتیجه گرفت واژه «جهاد» یا از ریشه «جهد» به معنای «جهد» به معنای سختی و مشقت گرفته شده است. «بنابراین اگر جهاد را از ریشه‌ی اولی بگیریم» در آن صورت «مجاهد» به کسی می‌گویند که هر آنچه را از قدرت و توان، طاقت و نبرد در کف دارد، تا آخرین حد وسعت و امکاناتش، در راه هدف خود به کار گیرد. «اما اگر جهاد را از ریشه‌ی دوم در نظر بگیریم»، «مجاهد» کسی را گویند که با طیب خاطر در فراخنای دشواریها و مشکلات گام بگذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنگلاخ هستی پیش تازد و سرافرازی خود در عرصه‌ی پیکارها جستجو کند. {1} با این حال و با در نظر داشتن هر کدام از معنای لغوی جهاد، «معنی جهاد از لحاظ شرعی این است که انسان با گذشتن از جان و مال خویش، در راه برتری توحید و کلمه‌ی اسلام و پایه‌های رسالت و اقامه‌ی شعائر ایمان و برافراشتن پرچم دین الهی، با تمامی امکانات خود تلاش و مبارزه کند. {2}

جهاد در معنای خاصی که در متن اسلام و عرف رایج میان مسلمانان وجود دارد، یعنی «کوشش در راه خدا». از این منظر اساسی است که می‌توان گفت همه‌ی زندگی بنا بر نظر اسلام «جهاد» است چرا که جزء تلاش برای زیستن مطابق با اراده‌ی خداوند و کوشش برای انجام اعمال صالح و دوری از بدیها نیست» به دلیل اینکه در اسلام دین و دنیا جدا از یکدیگر نیستند، بنابراین کل حیات انسان مستلزم نوعی جهاد است. از این رو با وجودی که برخلاف نماز و روزه، جهاد از ارکان اسلام محسوب نمی‌شود، اما «عمل به همه‌ی عبادات بی‌گمان مستلزم نوعی جهاد است. {3}

بعد از حملات 11 سپتامبر به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون، واژه‌ی جهاد بیش از پیش در رسانه‌ها و محافل علمی غربی به کار گرفته شد، به طوری که بعضی

از مواقع ایدئولوژی القاعده را «جهادیسلم» (1)، می نامیدند. {4} با وجود اینکه این ایدئولوژی هیچ پایه و اساسی در قرآن و سنت ندارد، اما استفاده ی گروههای تندرو اسلامی از قبیل القاعده باعث شده است تا برداشت دیگران به خصوص غیرمسلمانان از این واژه برداشتی غیر واقع بینانه باشد. در طول تاریخ اسلام به ویژه در سده های نخستین و در زمان پیامبر اکرم (ص) جهاد به دنبال از هم گسستن ارزشهای قبیله گرایی (2) و فراخوانی امت به اسلام و شریعت و «همه ی نیروهای مرکزگرایی صورت می گرفت که وحدت اسلامی را تهدید می کردند». در واقع جهاد توسط رهبری مذهبی اعلام می شد که خارج از دنیای قبیله ای قرار داشت و مسلمانان را در مقابل کفار قرار می داد. به عبارت دیگر جهاد «عصیت» قبیله ای را به نفع «امت» از بین برد. {5}

هدف از پژوهش حاضر ارائه مراحل گسترش ایده ی جهاد از قرون نخستین اسلام تا عصر حاضر و تمرکز بر این نکته است که چگونه گروههای تندرو اسلامی برداشتی نادرست از این واژه ارائه داده اند. هدف آنها مشروعیت سازی برای خشونت است که بر علیه غرب و دولتهای خود به کار می گیرند. اشخاصی که از قبیل اسامه بن لادن با استفاده از اندیشه های متفکران رادیکال پیش از خود و ارائه تفسیری دلخواه از آیه های قرآن سعی دارند که اعمال تروریستی خود را موجه نشان دهند. همان طور که در طول تاریخ غرب جنگهایی تحت عنوان جهاد صورت گرفته و تأیید پاپ را که جنگهای صلیبی را رهبری می کرده، به همراه نداشته است، «در اسلام نیز کسانی به نام جهاد، پیکارها کرده اند هر چند این پیکارها، مطابق با شریعت اسلام و به معنای فنی کلمه، جهاد به شمار نیامده است و علما نیز بر آن صحنه نگذاشته اند». علاوه بر این از آغاز پیدایش اسلام و درگیری مسلمانان با مسیحیان، «جنگهایی را که غرب تحت لوای crusade به راه انداخته است، بسی بیش از جهادهای صورت گرفته به دست مسلمانان است. {6}

1- جهاد در قرآن و سنت

در هیچ یک از آیه های قرآن ایده ی جنگ نامحدود به رسمیت شناخته نشده است. با وجودی که قرآن تأکید می کند که مسلمانان باید با کسانی که با آنها می جنگند، پیکار کنند، اما در آیات متعددی بر اینکه نیز تأکید کرده است که مسلمانان نباید به دیگران تجاوز کنند. {7} در جایی دیگر نیز به صراحت اعلام کرده است که هر شکلی از تغییر کیش اجباری به اسلام ممنوع می باشد؛ «در دین هیچ اجباری نیست». {8}

از نظر قرآن، اگر غیر مسلمانان خواهان صلح باشند، مسلمانان نیز برای دستیابی به آن باید تلاش کنند. قرآن می فرماید که خداوند مسلمانان را از صلح با کسانی که در حال جنگ با آنها هستند باز نمی دارد، بلکه مسلمانان را از صلح با کسانی که به خانه های مسلمانان تجاوز کرده و آنها را از خانه های خود بیرون می کند، منع کرده است. {9} در آیه دیگری نیز حکم قوی تری را به نفع صلاح اعلام کرده است و می فرماید: «و اگر دشمنانتان به صلح گراییدند تو نیز بدان گرای و بر خدا توکل کن که او شنوای داناست». {10} علاوه بر این به مسلمانان دستور می دهد که از روی نخوت دست رد به سینه ی کافرانی که به دنبال صلح با مسلمانان هستند نزنند. {11} با توجه به آیه های متعددی که راجع به صلح آمده است، اگر مسلمانان در حال جنگ دائم با کافران بودند و اگر کافران و یا غیر مسلمانان یک دشمن دائم و همواره یک هدف مشروع به شمار می آمدند، بدون تردید دیگر بحثهای مربوط به صلح بی معنی بودند. {12} در سنت اسلامی نیز مفهوم جنگ مقدس وجود ندارد. طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص) پس از غزوه عظیم بدر که نقش بسزایی در بقای امت اسلامی داشته است، ایشان میان جهاد اصغر و اکبر تفاوت قائل شده و فرموده اند: «شما از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشته اید و آن گاه که

از ایشان درباره ی جهاد اکبر پرسیده اند، ایشان فرموده اند: آن جهاد با نفس اماره است». {13} با وجودی که قرآن تجاوز و جنگ نامحدود و خشونت را ممنوع اعلام کرده است، اما بسیاری از فقهای کلاسیک اسلام یک رویکرد «امپریالیستی» برگزیده اند که جهان را به دو اردوگاه دارالحرب و دارالاسلام تقسیم کرده و از جنگهای امپریالیستی علیه کافران حمایت می کردند. {14} اما چنین نگرشی مورد تأیید همه علمای اسلام نبوده است. همه ی فقهای شیعه و تقریباً بیشتر فقهای اهل تسنن و به ویژه در عصر حاضر، جهاد را تنها زمانی مشروع دانسته اند که نه ابتدایی (تهاجمی)، بلکه دفاعی بوده باشد. «در شیعه دوازده امامی جهاد در زمان غیبت معصوم (ع) حرام است. در اهل تسنن و به ویژه از دهه ی 1950 و فتوای محمود شلتوت، اکثر علمای سرشناس عالم تسنن متفق القولند در اینکه تنها جهاد جایز، جهاد دفاعی است؛ یعنی هرگاه کیان امت اسلامی به خطر افتد بر کل امت واجب است که به جهاد برخیزند». در دیدگاه سنتی اهل تسنن، در صورتی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، این وظیفه ی حاکم است که با مشورت علما جهاد کند و در صورتی که حکومت اسلامی وجود نداشته باشد، مراجع دینی، علما و به بیانی مفتیان از چنین حقی برخوردار خواهند بود. با وجودی که در اسلام هر شخصی به تنهایی در پیشگاه خداوند مسئول است و هیچ طبقه ی روحانیتی وجود ندارد، اما هیچ کس نمی تواند به صرف اینکه مسلمان است و قدرت سیاسی و نظامی دارد، اعلام جهاد کند. {15}

2- ابن تیمیه

در سال 1258 میلادی مغولها بغداد را تصرف کردند. پیروزی مغولها به قرنهای قدرت بغداد در دنیای اسلام پایان داد. این حادثه و حوادثی که بعد از آن رخ داد، مشاجرات زیادی را در دنیای اسلام و در میان مسلمانان برانگیخت. یکی از این اشخاص این تیمیه حنبلی مذهب (1263-1328) بود. وی تنها چند سال پس از سقوط بغداد به دنیا آمد و بر علیه حاکمان مسلمان شده ی مغول دست به شورش زد. از نظر او بعد از پیامبر و خلفای راشدین اسلام تحریف شده است. {16} وضعیت جامعه ای که این تیمیه در آن زندگی می کرد باعث شد تا وی برای سرنگونی رژیم حاکم که بر یک اقلیت نظامی متکی بود، اعلام جهاد کند. {17} در واقع، ابن تیمیه اولین متاله مسلمان بود که به صورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت و یک بخش بزرگ از کتاب «السایه الشرعیه» را به این موضوع اختصاص داد.

ابن تیمیه با ذکر آیات متعددی که راجع به جهاد در قرآن آمده است؛ {18} نتیجه می گیرد که جهاد عملی است که یک مسلمان مؤمن می تواند انجام دهد. از نظر او جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد. از نظر وی ویژگی واقعی یک انسان نه در ریاضت و تقوای فردی بلکه در جهاد بروز پیدا می کند. ابن تیمیه به سه دلیل جهاد را سودمند می داند و معتقد است که باید به آن عمل کرد: اول اینکه جهاد نه تنها به شخص شرکت کننده در جهاد (مجاهد) بلکه به سایرین نیز چه از نظر مذهبی و چه از نظر احساسی فایده می رساند. دوم اینکه جهاد از همه ی عبادتها برتر است. جهاد بیشتر از هر عمل دیگری عشق و پرستش بندگان نسبت به خداوند را نشان می دهد. کسانی نیز در جهاد شرکت می کنند در هر صورتی پیروزی را به دست می آورند؛ یا پیروز می شوند و یا به شهادت رسیده و به بهشت می روند که خود پیروزی بزرگ تری است، سوم اینکه همه ی موجودات باید زندگی کرده و در نهایت بمیرند و جهاد وسیله ای است که انسانها می توانند با استفاده از آن به بهترین وجهی بمیرند و سعادت هر دو جهان خود را به دست آورند. علاوه بر این شهادت آسان ترین شکل مردن است. {19}

ابن تیمیه جهاد را هم بر علیه صلیبیون و هم بر علیه مغولها که هر کدام قسمتی از دارالاسلام

را اشغال کرده بودند، به کار برد. مهم تر اینکه او مسلمانانی را که در جهاد شرکت نکنند کافر قلمداد کرد. از نظر وی کسانی که از قانون اسلام سرباز زنند، کافر هستند، حتی اگر شهادتین را نیز گفته باشند و باید با آنها جنگید. {20} مخالفت وی با اغلب فقهای آن زمان- که به خاطر حفظ جامعه خواهان تساهل حکام بودند- باعث شد تا نظریات وی شالوده ای برای بحثهای اسلام گرایی رادیکال معاصر شود. {21}

3- جهاد در عصر حاضر

جنبشهای اصلاح طلب مسلمانان در خاورمیانه برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم و در پاسخ به امپریالیسم اروپایی ظهور کرد. پایان عصر استعمار و کسب استقلال توسط اکثر کشورهای اسلامی بعد از جنگ جهانی دوم شتاب بیشتری به این جنبشها بخشید. تغییرات گسترده ی اجتماعی و به وجود آمدن ایده هایی از قبیل ناسیونالیسم و حقوق زنان، روشهای سنتی زندگی در این جوامع را با چالشی جدی مواجه ساخت. سرخوردگی جوامع اسلامی از زندگی در دوره ی مدرن در دهه ی 1970 بیشتر شد. این عوامل باعث شدند تا ضرورت به وجود آمدن مدلی بومی برای مسلمانان و طرد تمدن غربی احساس شود. سی سال آخر قرن بیستم شاهد گسترش گروههای نظامی و مذهبی بود که ایدئولوژی آنها خواستار جهاد برای به وجود آوردن جامعه ای براساس شریعت اسلامی و پاک کردن حکام غیرمشرع و غیراسلامی بود. {22}

ابوالاعلی مودودی (1903-1979 م) اولین شخصی است که به صورت روشنمندانه ای به واژه ی جهاد پرداخت و آن را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد. {23} به نظر وی اسلام یک ایدئولوژی انقلابی می باشد که به دنبال برپایی نظم اجتماعی در کل جهان و بازسازی آن بر پایه ی اصول و ایده آلهای خود است. هیچ شکی وجود ندارد که همه ی پیامبران خدا رهبرانی انقلابی بوده اند و خاتم الانبیا محمد (ص) بزرگ ترین رهبر انقلابی بوده است. {24} مودودی جهاد را به عنوان نبردی انقلابی برای اجرای دستورات خداوند بر روی زمین تشریح می کند. این نبرد به خاطر خواسته های خود شخصی نیست بلکه برای به دست آوردن رضایت خداوند می باشد؛ هدف جایگزینی «سزار به جای سزار» نیست بلکه استقرار عدالت و برابری اجتماعی در بین بشریت می باشد که در این راه مسلمانان باید همه ی داراییهای خود و حتی زندگی خود را صرف کنند. از نظر وی وظیفه ی مؤمنان واقعی این است که ظلم و ستم، سختی و قوانین ناعادلانه را از روی زمین بردارند. {25}

نوشته های او در اشخاص دیگری از جمله حسن البنا و سید قطب تأثیر کرد و در خاورمیانه و برعلیه اسرائیل و صهیونیسم به کار گرفته شد. ایدئولوگهای اسلامی خاورمیانه جهاد را قانونی کردند و آن را وظیفه ای فردی برای هر فرد اعلام کردند. {26}

متفکر اسلام گرای رادیکال مصری، سید قطب (1906-1966) دومین شخصی است که به صورت مبسوطی واژه ی جهاد را بررسی کرده و آن را وارد ادبیات گروههای نظامی اسلام گرا کرد. از نظر وی اسلام جنبشی آزادی بخش است که برای نجات انسانها و آزادی بشریت آمده است؛ {27} «اسلام یا هست یا نیست. اگر هست که اسلام مبارزه و جهاد پی گیر و دامنه دار و سپس شهادت در راه خدا و در راه حق و عدالت و مساوات است، و اگر نیست نشانه اش آن است که همه به ورود و ذکر مشغول اند و به تسبیح و سجاده چسبیده اند و صبح و شام منتظرند که خود به خود از آسمان خیر و برکت و آزادی و عدالت بیارد». {28} از نظر وی مسلمانان واقعی آنهایی هستند که «در راه اعتلا و برتری کلمه ی حق- نام خدا- به جهاد مشغول اند» {29}

به اعتقاد سید قطب جنگ‌هایی که از راه تعصب نژادی، تعصبات خشک دینی، طمعها و منافع مادی و نیز از راه جاه و شهرت طلبی پادشاهان و قهرمانان و یا علاقه به تحصیل غنایم به وجود آید، مورد پذیرش اسلام نیست. {30} در واقع تنها جنگی را که اسلام مشروع دانسته و به آن اعتراف می‌کند جنگ در راه خدا و برای عدالت اجتماعی است. قطب با روایتی از پیامبر مبنی بر اینکه «آنکه برای اعتلای کلمه خدا مبارزه می‌کند، در طریق خداست، «کلمه ی خدا را به اراده ی خدا تعبیر می‌کند که» عبارت از آن حقیقتی است که با ناموس و سنت خلل ناپذیری که برای جهان آفرینش و انسان قرار داده شده، موافقت دارد». بنابراین اگر کسی ظلم و ستم کند و از عدالت دوری گزیند، در واقع با کلمه ی خدا مخالفت کرده است» و بر مسلمانها لازم است که با چنین شخصی برای اعتلای کلمه ی توحید بجنگد و آنهایی که علیه دیانت سر ستیز برداشته اند به سوی حق بازگردانند». به عبارت دیگر «بر مسلمانها واجب است که علیه آنها شمشیر بکشند تا بار دیگر آنها را تحت لوای عدالت مطلقه اسلام درآورند». از نظر سید قطب «عدالت مطلقه و جلوگیری از ظلم و بیدادگری، همان کلمه ی خدا است که لازم است در هر حال و در هر جا، از همه چیز برتر و بالاتر {باشد}». {31}

سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق» (نشانه های راه) و در ابتدای فصل چهار تحت عنوان «جهاد فی سبیل الله» به نقل قولی از ابن قیم در مورد جهاد می‌پردازد و خود نیز آن را تأیید می‌کند. وی به نقل از ابن قیم مدعی می‌شود که پیامبر اسلام بعد از کسب رسالت، در وهله ی اول مأموریت می‌یابد که با دعوت از نزدیک ترین افراد خود شروع کند و سپس تا تمام ملت عرب پیش برود. ایشان بعد از هجرت به مدینه و تشکیل دولت دستور می‌یابد که در کنار دعوت، از جنگ نیز استفاده کند، منتها تنها با کسانی که با وی جنگ می‌کنند. بعد از طی این مراحل و استقرار کامل اسلام، خداوند دستور می‌دهد که تا استقرار نهایی دین، با تمام مشرکین بجنگد. بنابراین طبق نظر ابن قیم و به تبعیت از او سید قطب، مسلمانان ابتدا از جنگ بازداشته شدند؛ سپس اجازه یافتند که جنگ کنند؛ بعد دستور یافتند که علیه مهاجمان بجنگند؛ و در نهایت دستور یافتند که علیه تمامی مشرکان وارد جنگ شوند. {32}

از نظر سید قطب علل جهاد را باید توجه به ماهیت اسلام و رسالت پیامبر بررسی کرد. از دیدگاه وی اسلام اعلامیه ای جهانی برای آزادی بشریت از هرگونه بندگی- بندگی دیگران و بندگی نفس- می‌باشد و نسان دهنده ی این است که «حاکمیت مختص خداوند است و او پادشاه همه چیز در جهان است». قطب اسلام را چالشی برای همه ی سیستمهای موجود در جهان می‌داند که براساس حاکمیت انسان بنا شده اند. استقرار حکومت خداوند بدین معنی است که قوانین وی جاری شده و همه تصمیمات براساس این قوانین اتخاذ شود. بنابراین «برقراری حکومت خداوند بر روی زمین و سلب حاکمیت از کسانی که بر جای خداوند نشسته اند و قوانین ساخته دست بشر را با قوانین الهی جایگزین کرده اند، تنها با استفاده از موعظه امکان پذیر نخواهد بود». به نظر قطب افرادی که در جایگاه خداوند قرار گرفته اند به این راحتی حاضر نخواهند شد که قدرت را از دست بدهند. قطب اسلام را دینی تئوریک و فلسفی نمی‌داند بلکه معتقد است که «دینی می‌باشد عملی و باید به مورد اجرا گذاشته شود و این هدف میسر نخواهد شد مگر اینکه موعظه و جنبش در کنار هم استفاده شوند.» {33}

سید قطب با کنار هم گذاشتن اصلاحات «موعظه» و «جنبش» به تبلیغ اسلام از طریق «شمشیر» و «کتاب» می‌پردازد و هر دو را لازم و ملزوم یکدیگر قرار می‌دهد. از نظر وی «هر یک از این ابزار یعنی شمشیر و کتاب جایگاه و کاربرد خاص را در تاریخ اسلام داشته اند؛ شمشیر برای به انقیاد درآوردن سرزمین های غیراسلامی و مشرکین داخلی به کار گرفته شده است و کتاب برای به اسلام آوردن مسیحیان و یهودیانی که به زور وادار به گرویدن به

اسلام نمی شدند.» {34}

قطب در انتقاد از کسانی که جهاد در اسلام را تنها دفاعی می دانند، آنها را شرق شناسانی (3) می داند که می خواهند ماهیت و هدف اسلام را تغییر دهند. به نظر وی چون هدف اسلام آزادی بشریت است پس نمی تواند جنبشی تدافعی و یا جهاد تدافعی قلمداد شود. «وقتی که اسلام اعلام موجودیت کرد، دنیا پر از سیستمهای مختلف بود، امروز نیز که در عصر جاهلیت به سر می بریم سیستمهای زیادی در دنیا وجود دارند»، پس همان طور که در آن زمان اسلام تنها و بهترین گزینه ای بود که از سوی خداوند ارائه شد، امروز نیز برای نجات بشریت باید اسلام را پیاده کنیم. از نظر وی کسانی که جهاد را صرفاً برای دفاع از سرزمین اسلام می دانند، هدف اسلام را فراموش کرده و در اصل ارزش اسلام را پایین تر از سرزمینهای اسلامی قرار می دهند. وی جهاد با نفس را نیز که از سوی عده ای بزرگ تر از جهاد دفاعی و بعد از آن می دانند، مقدم بر جهاد با کفار دانسته و معتقد است که مسلمانان تنها در صورتی قادر خواهند بود با کفار بجنگند که به خلوص قلب و ایمان واقعی رسیده باشند. {35}

از نظر سید قطب صلح در اسلام زمانی می تواند معنی داشته باشد که مردم تنها از خداوند اطاعت کنند و مجبور به اطاعت از دیگران نشوند. {36} «صلحی که اسلام می خواهد، نسبت به آن معنایی که اکنون در میان دولتها متعارف است، فرق داشته و صلح اسلامی دارای عمیق تر و وسیع تری خواهد بود و آن معنی عبارت است از: همزیستی و صلح و سازی که نام خدا را که عبارت از «عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برای مردم» است، روی کره ی زمین برقرار سازد، نه صرف خودداری از جنگ، به هر قیمتی که تمام شود... حتی، در حالی که اهریمن ظلم و فساد، بال و پرش را روی مردم گسترده باشد! «!» {37}

در پایان سید قطب با ذکر آیه های متعددی از قرآن کریم {38} دلایل جهاد در اسلام را چنین برمی شمرد: اول، استقرار حاکمیت خداوند؛ دوم، رسیدگی و مرتب کردن مسائل بشریت با توجه به راهنمایی واقعی که خداوند فراهم کرده است؛ سوم، طرد همه ی نیروهای شیطانی و سیستمهای شیطانی از زندگی؛ و چهارم، پایان دادن به حکومت یک انسان و سایرین، چرا که همه ی انسانها مخلوق خداوند می باشند و هیچ کس حق ندارد دیگری را برده ی خود ساخته و یا آنها را وادار کند که از قوانین وی اطاعت کنند. {39}

4- جهاد و گروههای نظامی اسلام گرا

اولین گروهی که آشکارا از جهاد برعلیه حاکم ظالم استفاده کرد، گروه جهاد اسلامی مصر می باشد که یکی از اعضای آن (خالد اسلامبولی) در سال 1981 رئیس جمهور مصر، انور سادات، را ترور کرد. رهبر این گروه، عبدالسلام فرج، مهندس الکترونیک بود که جزوه ای به نام «الفریضه الغایبه» (واجب مکتوم) از وی باقی مانده است. {40} وی جهاد را تنها نبرد مقدس لازم در جنگ علیه حاکم ظالم معرفی می کند که به زعم وی علما سعی در پنهان کردن آن دارند. «جهاد در راه خدا فریضه ای است که توسط علمای مصر به فراموشی سپرده شده است. با این وجود این اشخاص بهتر از هر کس دیگری می دانند که تنها راه بازگشت به گذشته ی باشکوه اسلام و احیاء دوباره ی آن، استفاده از جهاد است. در حالی که خداوند بهترین راه را برای بندگان خود نشان داده است، ولی مسلمانان هر یک راه خود را رفته و فلسفه ی مخصوص به خود را در مورد بهترین راه دارا می باشند. هیچ شکی وجود ندارد که تنها راه از بین بردن این جهان استفاده از شمشیر می باشد.» {41}

عبدالسلام فرج با ذکر سوالی بدین مضمون که آیا در سرزمین اسلامی زندگی می کنیم؟ به ذکر روایتی از امام ابوحنیفه می پردازد که طبق آن سرزمین اسلامی در صورتی که یکی از

شرایط زیر را داشته باشد. سرزمین کفار محسوب می شود؛ اول اینکه سرزمین اسلام توسط قوانینی غیر از قوانین اسلام اداره شود؛ دوم اینکه در سرزمینی که ساکنان آن مسلمان هستند، امنیت وجود نداشته باشد؛ و سوم اینکه موجودیت سرزمین اسلامی به خطر بیفتد و یا با چالش جدی مواجه شود. در ادامه وی نتیجه می گیرد که سرزمین مصر نیز با وجودی که قسمت اعظم ساکنان آن مسلمان هستند، اما چون توسط قوانین غیر اسلامی اداره می شود، پس سرزمین کفار به حساب می آید. {42}

به اعتقاد فرج حاکمان کنونی کشورهای اسلامی از دین برگشته و مرتد شده اند. آنها در راستای امپریالیسم به صلیبیون، کمونیسم و صهیونیسم تبدیل شده اند. آنها به هیچ چیزی از اسلام معتقد نیستند. اما اسامی، افتخارات و ادعاهایشان سرشار از اسامی اسلامی می باشد. در واقع آنها تنها برای بهتر حکومت کردن از اسامی خداوند استفاده می کنند. فرج به تبعیت از ابوحنبله، مالک و ابن حنبل اعلام می دارد مجازات کسانی که مرتد شده اند از مجازات کسانی که از اول کافر شده اند، سنگین تر است. در نتیجه طبق اجماع عموم علمای اسلامی با مرتدین حتی اگر قادر به حمل اسلحه نیز نباشند، باید جنگید و آنها را از بین برد. {43}

عبداسلام فرج به نقل از ابن تیمیه حاکمان امروزی جوامع اسلامی را با مغولها یکی دانسته و معتقد است که همان طور که «قانون یاسای مغول» برخلاف شریعت خداوند بود، قوانین امروزی کشورهای از قبیل مصر که از غرب وارد شده اند، برخلاف شریعت اسلام می باشد. مغولها برای غلبه بر سوریه به دروغ مدعی شده بودند که مسلمان شده اند؛ ادعای حاکمان امروزی کشورهای اسلامی نیز در مسلمان بودن دروغی بیش نیست. همانند حاکمان مغول، هیچ کدام از رهبران کشورهای اسلامی برای برگزاری شعائر اسلامی و عمل به آنها را بلد نیستند. حاکمان مغول زیر پرچم چنگیز خان می جنگیدند و به کفار مقامات بالایی اعطا می کردند و این در حالی است که حاکمان کنونی نیز مقامات بالای کشوری را به مسیحیان و یهودیان اعطا می کنند و بنابراین باید برعلیه حاکمان کشورهای اسلامی دست به جهاد زد. {44}

از دیدگاه فرج با وجودی که میدان مبارزه و جهاد امروزی مسلمانان باید آزادسازی اورشلیم باشد ولی توجه به نکاتی برای انتخاب میدان مبارزه ضروری می باشد. اول اینکه نبرد با دشمنی که نزدیک تر است از نبرد با دشمنی که دورتر است، واجب تر می باشد. دوم اینکه برای رسیدن به این پیروزیها باید مسلمانان خون خود را اهدا کنند و جنگ باید تنها زیر پرچم اسلام و تحت رهبری اسلام باشد. سوم اینکه پایه های موجودیت امپریالیسم در سرزمینهای اسلامی، وجود رهبران فعلی کشورهای اسلامی است». هیچ تردیدی وجود ندارد که نقطه ی آغازین ما برای حرکت باید سرنگونی حاکمان فاسد باشد چرا که تنها در این صورت است که می توانیم حاکمیت خداوند را مستقر سازیم. {45}

از نظر فرج در صورتی که یکی از سه شرط زیر وجود داشته باشد، جهاد وظیفه ی انفرادی همه ی مسلمانان خواهد بود. اولاً، زمانی که دو ارتش رودرروی یکدیگر قرار بگیرند، هیچ کس حق ندارد صحنه ی نبرد را ترک کند و باید ثابت قدم ماند و به نبرد ادامه دهد. ثانیاً، زمانی که کافران سرزمین اسلامی را مورد تهاجم قرار دهند، وظیفه ی تک تک مسلمانان است که با آنها جنگیده و از سرزمین اسلامی اخراج کنند. ثالثاً، زمانی که امام و رهبر مسلمین آنها را دعوت به جهاد کند، وظیفه ی همه ی مسلمانان است که به دعوت وی لبیک گویند. «بنابراین زمانی که جهاد وظیفه ی همه ی مسلمانان است دیگر لزومی ندارد که از والدین خود اجازه بگیرند و همان طور که علمای ما اعلام کرده اند، در چنین وضعیتی جهاد فریضه ای مثل نماز و روزه خواهد بود.» {46} وی با ذکر اینکه اسلام به زور شمشیر گسترش یافته، جهاد دفاعی را قبول

نمی کند و اعلام می دارد که جهاد در اسلام تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و هیچ وقت قطع نمی شود. «در صورتی که مسلمانان این فریضه را به فراموشی سپارند روز به روز ضعیف تر خواهند شد و در نتیجه نمی توانند به فریضه ی خود عمل کنند». {47}

با وجودی که جزوه ی عبدالسلام فرج برنامه ای عملی برای استقرار حکومت اسلامی ارائه می داد و در جای جای اثر خود از ابن تیمیه نقل قول می کند، اما تقریباً تمام ناظران مصر مشروعیت استفاده ی وی از فتوهای ابن تیمیه را قبول نکردند. از نظر آنها عبدالسلام فرج که شیخ کوشک او را «یک متفکر تازه به دوران رسیده» می نامید، هیچ اطلاعی از ماهیت سخنانی که از ابن تیمیه نقل می کرد، نداشته است. آنها بر این باور بوده اند که منتهای استفاده شده توسط فرج «آن قدر معتبر نیستند که بتوان براساس آنها جامعه یا حکومت مصر معاصر را توصیف کرد». {48} به هر حال واجب مکتوم، مشروعیتهای لازم را برای گروههای نظامی منطقه فراهم کرد. از این نظر این گروهها دولت‌های منطقه اسلامی نیستند، چرا که قوانین آنها از ترکیبی از قوانین سنت اسلامی و قوانین اروپایی می دانستند.

یکی از حوادثی که تأثیر زیادی در رادیکال تر شدن جهان داشته است، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر سال 1979 بود. این حادثه باعث شد تا علمای اسلامی بر علیه شوروی اعلام جهاد کرده و آن را به عنوان حمله به دارالاسلام در نظر بگیرند. در نتیجه ی چنین تفسیری آنها قادر شدند که طبق شریعت اسلامی بر علیه اشغال اعلام جهاد دفاعی نمایند که در این صورت وظیفه ی همه ی مسلمانان شرکت در آن می باشد. {49} در واقع جنگ در افغانستان، هم دولتها (از جمله عربستان سعودی) و هم گروههای منفرد را به سوی تمرکز مشروعیت‌های مذهبی جنگ رهنمون ساخت، تا بدین وسیله بتوانند به راحتی از مسلمانان داوطلب برای اخراج شورویها حمایت به عمل آورند. {50}

عبدالله اعظم از جمله افرادی بود که بلافاصله بعد از حمله ی شوروی تدریس در دانشگاه ملک عبدالعزیز عربستان را رها کرده و برای کمک و آموزش به مجاهدین به پاکستان مهاجرت کرد. وی در سال 1985 به کمک سازمانهای هلال احمر کویت و عربستان سعودی، سازمان «مکتب الخدمت للمجاهدین العرب» (4) را با همکاری اسامه بن لادن و برای سازماندهی کمکهای انسان دوستانه به مجاهدین افغانی تأسیس کرد. این سازمان سالانه حدود 600 میلیون دلار برای کمک به مقاومت افغانها دریافت می کرد. اعظم رهبر و موعظه گر کاریزماتیک و اصلی ترین ایدئولوگ «عرب-افغانها» و استاد اسامه بن لادن در دانشگاه بود. وی متفکری به معنی واقعی کلمه مثل قطب، مودودی و یا البناء نبود، بلکه سخنرانی چیره دست بود که از ابن تیمیه، قرآن و حدیث نقل قول می کرد، اما راجع به فلسطین و افغانستان صحبت می کرد. {51}

عبدالله اعظم در سال 1941 در جنین متولد شد. بعد از اتمام تحصیلاتش به اردن و سپس سوریه رفته و از دانشگاه دمشق دکترای حقوق اسلامی گرفت. در اواخر دهه 1960 به مصر رفت و در دانشگاه الازهر تحصیلات تکمیلی خود را به پایان رساند و در سال 1973 به عربستان سعودی رفته و در دانشگاه جدیدالتأسیس جده به تدریس مشغول شد. اعظم جزو اولین اشخاصی است که برای شرکت در جهاد علیه شوروی و برای اشاعه ی افکار خود به افغانستان رفت. وی پس از رسیدن به پاکستان ابتدا در دانشگاه اسلام آباد به تدریس پرداخت، اما خیلی زود آنجا را رها کرد و برای کمک به مجاهدین افغانی راهی پشاور شد. در طول فعالیت‌هایش به این نتیجه می رسد که تنها راه موفقیت در استقرار جامعه ی اسلامی، جهاد بر علیه دشمنان اسلام است. اعظم به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و کتابهای متعددی در این زمینه نوشت که در آنها عقاید و جهان بینی خود را درباره ی جهاد و آینده اسلام جهان بینی خود را درباره ی جهاد و آینده اسلام شرح می دهد. وی در بیست و چهارم نوامبر

سال 1989 به همراه دو پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه و در پیشاور پاکستان ترور شد. {52} فراخوانی مسلمانان جهان به جهاد در افغانستان و اعلام اینکه جهاد وظیفه ی فردی همه ی مسلمانان است، موضوع اصلی دو کتاب مهم عبدالله اعظم به نامهای «دفاع از سرزمینهای اسلامی» و «الحاق به کاروان» می باشد. وی دلایل جهاد را در شانزده بند ذکر می کند: {53}

- 1- جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان؛
- 2- کمبود مسلمانانی که جان خود را در راه اسلام فدا می کنند؛
- 3- ترس از آتش جهنم؛
- 4- عمل به فریضه ی جهاد و پاسخ به دعوت خداوند؛
- 5- ادامه دادن راه سلف صالح؛
- 6- استقرار جامعه ای اسلامی؛
- 7- محافظت از مستضعفین روی زمین؛
- 8- شهید شدن و کسب مقام والا در بهشت؛
- 9- جهاد، سپری در مقابل امت است و از بی حرمت شدن آنها جلوگیری می کند؛
- 10- حفاظت از عزت امت و نقش بر آب کردن توطئه های دشمن؛
- 11- حفاظت از سرزمین اسلام و جلوگیری از فاسد شدن آن؛
- 12- ایجاد امنیت برای مکانهای مقدس مسلمانان؛
- 13- حفاظت از امت در مقابل شکنجه و آوارگی؛
- 14- سعادت امت و افزایش ثروت آنها؛
- 15- جهاد اوج همه چیز در اسلام است؛
- 16- جهاد بهترین شکل عبادت در دین اسلام است و مسلمانان به وسیله ی آن می توانند به بالاترین درجات برسند.

عبدالله اعظم به نقل از ابن تیمیه اولین وظیفه ی مسلمانان بعد از ایمان را جهاد و دفاع از سرزمین های اسلامی می داند. به نظر وی این فریضه مهم ترین وظیفه ای است که در عصر حاضر توسط مسلمانان به دست فراموشی سپرده شده است و علت اصلی وضعیت فلاکت بار مسلمانان عمل نکردن به جهاد می باشد. از نظر وی جهاد علیه کفار دو نوع می باشد؛ جهاد تهاجمی زمانی است که دشمن از سرزمین خود دست به حمله نبرند. در چنین حالتی بر مسلمانان واجب کفایی است که در این جهاد شرکت کنند و وظیفه اصلی متوجه امام مسلمین است که ارتشی تدارک دیده و به جنگ آنها بفرستد و آنها را مجبور به پرداخت جزیه کند، در غیر این صورت این امام است که مرتکب گناه شده است. نوع دوم جهاد تدافعی می باشد که در آن بر همه ی مسلمانان واجب عینی (وظیفه انفرادی همه مسلمانان) است که در جهاد شرکت کنند و کفار را از سرزمین اسلام خارج سازند. این نوع جهاد مهم ترین وظیفه مسلمانان بوده و تحت شرایط زیر الزامی می شود؛ اول، اگر کفار وارد سرزمین اسلام شده باشند؛ دوم، اگر خطوط نیروها در میدان نبرد رودرروی یکدیگر قرار گرفته و به همدیگر نزدیک شوند؛ سوم، زمانی که امام امت دعوت کند آنها باید به فتوای وی پاسخ داده و اطاعت کنند؛ و چهارم، اگر کفار گروهی از مسلمانان را دستگیر کرده و زندانی کنند. {54}

اعظم به نقل از ابن تیمیه خاطر نشان می کند که اگر دشمن وارد سرزمینهای اسلامی شود بر مسلمانان واجب عینی است که در جهاد بر علیه دشمنان شرکت کنند. این وظیفه در وهله ی اول متوجه نزدیک ترین فرد به صحنه ی نبرد می باشد و بعد از وی به نفرات بعد و به همین ترتیب تا آخرین نفر از مسلمانان جهان منتقل می شود. در چنین شرایطی اجازه گرفتن از والدین و یا دیگران برای شرکت در جهاد ضرورتی ندارد. {55} به فراموشی سپردن جهاد شبیه

ترک نماز و روزه و شاید هم بدتر از آنها باشد و ابن رشد می فرماید: «مسلماً زمانی که جهاد واجب عینی شد، دقیقاً عین حج واجب می شود». {56}

عبدالله اعظم روایت معروفی را که از سوی علمای شیعه نیز مورد تأیید است و مدعی است که جهاد با نفس بزرگ تر از جهاد با دشمن می باشد و رد کرده و معتقد است که این حدیث جعلی می باشد و هیچ پایه ی معتبری ندارد. به نظر وی اگر جامعه ی اسلامی در جهاد برای آزادسازی سرزمین های اسلامی شرکت نکند و حتی اگر یک قطعه از این سرزمین نیز دست دشمن باقی بماند، این جامعه گناهکار خواهد بود. {57} به نظر وی در نبرد با دشمنان اسلامی باید اختلافات کوچک داخلی کنار گذاشته شوند و به دشمن و مشکل اصلی پرداخته شود. {58}

اندیشه های عبدالله اعظم در تئوری پردازی برای سازمان های جهادی مدرن نقش بسزایی داشته است. نوشته های او تبدیل به مانیفستی برای جنگجویان مسلمانی شد که می خواهند جهاد جهانی بر علیه غرب به راه انداخته و «دولتهای دست نشانده» (5) خود در خاورمیانه را براندازند. {59} علاوه بر این عبدالله اعظم که از او به عنوان طراح و ایدئولوگ اصلی القاعده نیز یاد می شود، {60} متفکری است که بیشترین تأثیر را در شکل گیری دیدگاههای بن لادن داشته است و برای سالها راهنمای فکری بن لادن بوده است. {61}

مروری بر بحثهای ذکر شده نشان می دهد که اعمال و اندیشه های عبدالله اعظم ثمرات مهمی را برای گروههای جهادی اسلامی به ارمغان آورده است. اول اینکه، سازمانی بین المللی به منظور یارگیری از میان داوطلبانی از سراسر دنیای اسلام برای جهاد در افغانستان به وجود آمد. دوم اینکه، شبکه ی بین المللی سلولهای ترور به وجود آمد که توسط جنبشهای رادیکال اسلامی سراسر دنیا حمایت می شدند. سوم اینکه: پیروزی مجاهدین در افغانستان هاله ای از شجاعت در اطراف جنگجویان مسلمان به وجود آورد که دارای تجربیات گران یهایی بودند. این جنگجویان در همه ی نبردهای بعدی اسلام گراهای رادیکال و دشمنانشان، به عنوان پیش آهنگ (6) عمل می کردند. {62}

5- القاعده و جهاد بین المللی

قبل از حملات 11 سپتامبر، اسامه بن لادن اهداف، علل نارضایتیها و تاکتیکهای شبکه ی بین المللی القاعده را به طور مبسوطی، در اعلامیه ها و مصاحبه های مختلفی اعلام کرده بود. مروری، بر این اعلامیه های نشان می دهد که ایدئولوژی القاعده بیشتر از آنکه مذهبی باشد، سیاسی است. هم صدا با تئوری هانتینگتون تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» بن لادن نیز ویژگیهای جنگ خود را «جنگ صلیبی آمریکا بر علیه ملل اسلامی» نام گذاری کرد و تأکید که به اعتقاد وی درگیری بین جهان اسلام و آمریکا و متحدانش می باشد. از نظر وی جهان اسلام باید به خودباوری و اتحاد برسد و مسلمانان باید از خود دفاع کنند. در مورد سیاستهای داخلی نیز او به مسلمانان توصیه می کند که به دنبال رهبری باشند که از سویی آنها را متحد کرده و از سوی دیگر به دنبال استقرار خلافت باشد. {63}

دو اعلامیه ی جهاد بر علیه آمریکا وجود دارد که هسته ی مرکزی فلسفه ی اسامه بن لادن را تشکیل می دهند. اولین اعلامیه در 26 اگوست سال 1996 و تحت عنوان «اعلامیه ی جهادی بر علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس را اشغال کرده است»، صادر شد. در این اعلامیه بن لادن با برشمردن مشکلات جهان اسلام معتقد است رژیم عربستان سعودی به دو دلیل مشروعیت خود را از دست داده است؛ اول اینکه شریعت اسلامی را کنار گذاشته است و دوم اینکه به نیروهای خارجی یعنی صلیبیهای آمریکایی اجازه داده است تا کشور را اشغال کنند. بن

لادن نیز همانند اعظم معتقد است برای نبرد با دشمن خارجی باید اختلافات داخلی کنار گذاشته شوند. از نظر وی آمریکا دو شهر مقدس مکه و مدینه را اشغال کرده است و وظیفه ی همه ی مسلمانان جهان است که «علیه کفار جنگیده و آنها را از شبه جزیره عربستان اخراج کنند». بن لادن هم‌نوا با ابن تیمیه اولین وظیفه ی اصلی مسلمانان بعد از ایمان آوردن جهاد می‌داند. وی جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین دانسته و آن را جنگ مقدسی می‌داند که مشروعیت دارد؛ «اگر بیش از یک وظیفه برای انجام دادن باشد، پس باید با اهمیت ترین آنها در اولویت قرار گیرد. بعد از ایمان واقعی وظیفه ی با اهمیت تری از بیرون راندن دشمن آمریکایی از سرزمین مقدس نمی‌باشد. هیچ اولویت دیگری، به غیر از ایمان، نباید قبل از آن در نظر گرفته شود و هیچ شرطی برای این وظیفه وجود ندارد... اگر امکان بیرون راندن دشمن به غیر از جنبشهای گروهی مسلمانان نباشد، پس وظیفه مسلمانان است که اختلافات ناچیز بین خودشان را کنار بگذارند، ابن تیمیه نیز این مسئله را توضیح می‌دهد و تأکید می‌کند در مقابل تهدید اصلی باید اختلافات جزئی کنار گذاشته شوند. {64}

دومین فتوا در 23 فوریه سال 1998 و تحت عنوان «جبهه ی جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان» صادر شد. در این اعلامیه که وی به همراه گروههای تندرویی از مصر، پاکستان و بنگلادش هم صدا شده و جبهه ای تشکیل داده اند، بر جنگ علیه آمریکاییها و متحدانش که به زعم آنها علیه خداوند، پیامبرش و مسلمانان اعلام جنگ کرده اند، تأکید می‌کنند. طبق این فتوا جرایم و گناهان ایالات متحده در سه حوزه قابل تفکیک است که به نظر بن لادن سه حقیقت مسلمی است که هیچ کس نمی‌تواند آنها را انکار کند: اول اینکه سالیان متمادی است که ایالات متحده مقدس ترین سرزمین های اسلام یعنی شبه جزیره عربستان را اشغال کرده است و هنوز هم به اشغال خود ادامه می‌دهد. در این مدت ثروت این سرزمین را به یغما برده، حاکمانش را کنترل می‌کند و مردمانش را تحقیر می‌کند؛ دوم اینکه ایالات متحده تحریم بر علیه مردم عراق را تحمیل کرده است که در نتیجه ی آن بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده اند؛ سوم اینکه هدف اصلی ایالات متحده حمایت از دولت یهودی و منحرف کردن افکار عمومی از اشغال اورشلیم و قتل عام مسلمانان آنجا می‌باشد. بنابراین تنها پاسخ مناسبی که مسلمانان می‌توانند به این جنایات بدهند، جهاد دفاعی است که واجب عینی بوده و وظیفه تک تک مسلمانان می‌باشد. {65}

اسامه بن لادن در مورد اعلام جهاد علیه نصرانیان و یهودیان، به ویژه آمریکاییها به خبرنگار شبکه الجزایر چنین می‌گوید:

مسلمانانی که می‌گویند اکنون زمان جهاد نیست، سخت در اشتباهند. مدت زمان طولانی است که امت مسلمان جهاد را به فراموشی سپرده اند، ... اما خداوند دوباره شناس جهاد را در افغانستان، چین و بوسنی و هرزگوین را ارزانی داشت و وظیفه ماست که علیه دشمنان اسلام و به ویژه دشمن خارجی یعنی اتحاد نصرانی- یهودی اعلام جهاد کنیم. جهاد در افغانستان ضعیف بودن ابرقدرتها را ثابت کرد. آمریکا از روسیه نیز ضعیف تر است و برادران ما که در سومالی می‌جنگند، ضعیف و ترسو بودن سربازان آمریکایی را گواهی می‌دهند. وقتی که هشت نفر از آنها کشته می‌شوند، در تاریکی شب عقب نشینی کرده و بدون اینکه به پشت سر خود نگاه کنند، از آنجا خارج می‌شوند. {66}

در واقع وی اهداف خود را بیداری ملت مسلمان و آزادی سرزمینهای اسلامی، جنگیدن در راه خدا و پیاده کردن شریعت خداوند می‌داند، چرا که معتقد است خداوند بالاترین سخنان می‌باشد. {67}

ایمن الظواهری رهبر جهاد اسلامی مصر و نفر دوم سازمان القاعده که یکی از امضا کنندگان

اعلامیه ی 1998 می باشد، هدف جنبش بنیادگرایی را سرنگویی دولت و استقرار حاکمیت خداوند می داند. از نظر وی درگیری با اتحاد یهودی آمریکایی غیر قابل اجتناب بوده و آن را سرنوشت و وظیفه ی خود می داند. الظواهری در مورد پیشگامی در توقف عملیات نظامی با ذکر دو روایت به این سخن می رسد که مرگ بهتر از عقب نشینی است. وی با یاد کردن از سید قطب به عنوان برجسته ترین تئوری پرداز جنبشهای بنیادگرا از زبان وی چنین نقل می کند: «برادر، به سمت جلو حرکت کن، سرت را به راست یا چپ نچرخان و تنها به بهشت نگاه کن». در ادامه وی به انتقادهای بعضی از اعضای سازمان در رابطه با ادامه عملیتهای نظامی پاسخ داده و اظهار می دارد با مراجعه به تفسیرهای رایج از شریعت، برای او مسجل شده که سخن خداوند بیشتر از علاقه ی این افراد برایش عزیز است. {68}

6- کشتار به نام اسلام: دلایل شرعی القاعده برای حملات 11 سپتامبر

سازمان القاعده در 24 آوریل سال 2002 اعلامیه ای درباره «حکم قهرمانان و مشروعیت عملیتهای ایشان در نیویورک و واشنگتن» صادر کرد که در آن به توضیح دلایل شرعی حملات 11 سپتامبر پرداخته است. این اعلامیه از خداوند به خاطر موفقیت گروهی از جوانان باایمان در به پایان رساندن عملیات تشکر کرده و آن را نشانه ای از عظمت و برتری خداوند می داند؛ خدایی که باعث شد تا اینها خون صلیبیون را بنوشند چرا که آنها «دهه ها و دهه ها» خون اینها را به شیشه کشیده بودند. «جوانانی که دست به این عملیات زدند، به خاطر ثروت زمینی، شهرت و علایق زودگذر این کارها را انجام نداده اند، بلکه در دفاع از مذهب خداوند متعال و مسلمانان در مقابل دستان آمریکایی که به هر وسیله ای سعی در شکنجه کردن و تسلط بر اینان است، جان خود را قربانی کرده اند». {69}

سازمان القاعده در جواب به این شبهه که شاید صدور اعلامیه منجر به محکوم کردن مجاهدین شود و بهانه ای به دست دشمنان دهد تا آنها را تحت تعقیب قرار دهد، چنین پاسخ می دهد: ما می گوئیم که دشمن مستبد به هیچ مدرک و مشروعیت دهنده ای برای ادامه جنگ خود بر علیه اسلام و مسلمانان که از دهه ها قبل شروع کرده است، ندارد. مدارک آنها برای قتل عام مردم فلسطین برای بیش از پنجاه سال چه بوده است؟ کدامین احکام کشتار مردم عراق را که تا به حال در تاریخ سابقه نداشته است، توجیه می کند؟ چه چیزی کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین را مشروع اعلام می کند و به صریحاً اجازه می دهد تا به نسل کشی مردم بپردازند؟ گناه مردم کشمیر چیست؟ و کدامین احکام به «بندگان گاو» (7) اجازه می دهد تا به مدت بیش از پنجاه سال خون آنها را بریزد؟ گناه مردم چین، افغانستان و جمهوریهای آسیای مرکزی چه بوده است که صلیبیون مستبد شوروی را نسبت به نابودی و آوارگی آنها متقاعد کرده است؟ روزی که آمریکا مردم افغانستان را می کشت و مسلمانان را به بند می کشید چه توجیحهایی را ارائه کرد؟ قبل از حمله و تحت پوشش سازمان ملل جبهه ای علیه آن به وجود آورد. در مورد مسلمانان تیمور شرقی نیز دست به کاری مشابه زد. علاوه بر این تحت پوشش سازمان ملل، وارد سومالی شد، دست به کشتار زد و سرزمین های اسلامی آنجا را تحت مالکیت خود درآورد... باید اعلام کنیم که مردم مسلمان که جبهه ی صلیبی - یهودی، در پی نابود کردن آنهاست، هیچ گناهی غیر از این ندارند که می گویند «خداوند سرور ماست». اتحاد نصرانی-یهودی، به هیچ حکمی برای جنگ علیه مسلمانان و ادامه ی آن، نیاز ندارند. {70}

سازمان القاعده آمریکا را سرزمین جنگ دانسته و دلیل آن را حمایت از یهودیان برای کشتار

مردم فلسطین اعلام می کند. «آمریکا آن زمانی سرزمین جنگ شد که به مردم عراق، سودان و افغانستان حمله کرد. این کشور در هر مکانی و دهه ها مسلمانان را تحت فشار قرار داده است و به طور آشکاری دشمنان آنها را بر علیه شان حمایت می کند» {71}

در این اعلامیه در دو مورد راجع به ممنوعیت کشتن شهروندان بحث می شود؛ اول اینکه، معتقد است کسانی که در حوادث 11 سپتامبر بی گناه کشته شدند، با توجه به روایتی از پیامبر می توان آن را توجیح کرد. دوم اینکه، القاعده معتقد است که کشتن غیر نظامیان به طور کامل ممنوع نیست، بلکه شرایطی وجود دارند که تحت آن شرایط کشتن شهروندان مجاز می باشد. در نتیجه به بحثهای کلامی پرداخته و توجیهی شرعی برای کشتن شهروندان مهیا می کند. از نظر القاعده تنها وجود یکی از شرایط زیر کشتن شهروندان غیر نظامی را مشروع می کند: (72)

1- **مقابله به مثل؛** القاعده برای اثبات ادعای خود آیه ی 194 سوره بقره را ذکر می کند «اگر کسی به شما حمله کرد، شما نیز به او حمله کنید و با روشی مشابه». بنابراین اگر دشمن تاکتیکی را به کار برد که در اسلام ممنوع شده است، این تاکتیکها برای مسلمانان نیز شرعی می شود. در ادامه برای متقاعد کردن خواننده به درگیری فلسطین اشاره می کند.

2- **ناتوانی در تمایزگذاری بین شهروندان و جنگجویان؛** هنگام حمله به دشمن در قلعه نظامی، تمایز بین جنگجویان و مردم عادی دشوار است به ویژه اگر جنگجویان در میان مردم عادی پنهان شده باشند.

3- **مشارکت شهروندان در عمل، حرف یا ذهن؛** در شرع اسلام، مشروعیت هدف جنگی توسط توانایی آن هدف در جنگ علیه مسلمانان تعیین می شود. در نتیجه، سربازان، رهبران، حمایت کنندگان و شهروندان عادی نیز در این حیطة قرار می گیرند.

4- **ضرورت جنگ؛** از نظر القاعده مرکز تجارت جهانی، دژ دشمن بود که به طور مستقیم علیه دشمنان اعلام جنگ کرده بود.

5- **تسلیحات سنگین؛** القاعده با آوردن روایتی از دوران پیامبر در استفاده از منجنیق برای حمله به دشمن در حالی که با جمعیت عادی قاطی شده بودند، مشروعیت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی و حمله با هواپیما به برجها را توجیح می کند.

6- **سپردهای انسانی؛** القاعده معتقد است اگر دشمن از زنان، بچه ها و سایر گروهها برای محافظت از خود استفاده کند، حمله به آنها مجاز می باشد.

7- **پیمان شکنی؛** آخرین شرط زمانی مهیا می شود که دشمن پیمان خود را بشکند.

سازمان القاعده در مورد کشته شدن مسلمانان شاغل در برجهای دوقلو نیز دلایل شرعی می آورد. اول اینکه، اگر شرایط انجام عملی اضطراری باشد، آن عمل مجاز شمرده می شود، پس باید به شرایط انجام آن عمل توجه کرد. دوم اینکه، تصور غالب بر این بوده است که تنها کافران آنجا حضور دارند و در واقع تنها آنها مورد هدف بوده اند. بنابراین با توجه به اینکه تصور غالب، منطقی به نظر می رسد، پس می توان توجیهی برای چنین عملی باشد. سوم اینکه، امروزه کمترین کشوری وجود دارد که مسلمانها در آنجا نباشند. چهارم اینکه، پرداخت جزیه برای کشته شدگان مسلمان رویه ای است معمول که در زمان پیامبر نیز بوده است، و آخر اینکه،

مسلمانانی که کافران را کمک و همراهی می کنند باید هدایت شوند. {73}

اعلامیه 24 آوریل روشهای رایج انجام وظایف مذهبی را زیر سوال برد. در نتیجه مشروعیت روشهای غیر خشونت آمیز را به طور بنیادین، مورد سوال قرار داد. از این نقطه نظر این بیانیه سه بحث مهم را دامن زد. اول، روشهای غیر خشونت آمیز مقابله با ایالات متحده مورد تردید قرار گرفتند، بنابراین سازش مذهبی نمی توانست معقول باشد. دوم، ایالات متحده جنگی علیه

اسلام به راه انداخته است. بنابراین خشونت، جهاد دفاعی بوده و وظیفه همه ی مسلمانان است. سوم، هیچ شرطی در مورد ممنوعیت کشتن شهروندان در اسلام وجود ندارد. در واقع، شهروندان را تحت شرایط خاصی که وضعیت فعلی را دارا می باشد، می توان مورد هدف قرار داد. {74}

در واقع القاعده بر این باور است که استفاده از خشونت، حاکمان بت پرست جوامع را از بین برده و همانند حضرت محمد (ص) که عصر جدیدی از روشنایی و عدالت را بعد از فتح مکه برای بشریت به ارمغان آورد، القاعده نیز مردم را از تاریکی و جاهلیت نجات داده و به سوی نور هدایت خواهد کرد. هدف القاعده ایجاد دولتی است که بشریت را از پرتگاه سقوط به علت طرد ارزشهای اسلامی اتفاق افتاده است، بیرون بکشد و این میسر نمی شود مگر با استفاده از ارزشهای اسلامی در سراسر جامعه. در نتیجه استفاده از خشونت نیز جزئی از جنگ مقدس بوده و چون برای نجات بشریت است، پس مشروعیت دارد. {75}

فرجام

مسئله کسانى که با قرآن و سنت اسلامى آشنایى ندارند، در مواجهه با فراخوانى گروههاى نظامى اسلام گرا به جهاد، دچار اشتباه شده و اسلام را همانى تصور خواهند کرد که این گروهها تبلیغ مى کنند. اما واقعیت چیز دیگرست؛ بسیاری از مسلمانان جهان نیز همانند سایر مردم از حملات 11 سپتامبر شوکه شده و آن را محکوم کردند. همان طور که در پژوهش حاضر نیز آورده شد، قرآن و احادیث معتبر به هیچ وجه جنگ نامحدود و کشتار بی گناهان را به رسمیت نمى شناسند. در واقع، «مسلمانانى که در غرب یا هر جای دیگر، به نام جهاد دست به ترور مى زنند این اصطلاح را که در اصل، اصطلاح مقدسى است بدنام مى کنند و هیچ مرجع دینى رسمى و مطرح در جهان اسلام اعمال آنها را به معنای فقهى و کلامى اصطلاح، جهاد نمى شمارد». {76}

اولین شخصى که جهاد را رادیکالیزه کرده و آن را جزو ارکان اصلی دین قرار داد، ابن تیمیه بود، وى کشتن غیر نظامیان را تجویز نکرد. در عصر حاضر برای اولین بار مودودی و سید قطب بودند که به مسئله جهاد پرداختند. مودودی جهاد را برای اجرای دستورات خداوند مى دانست. قطب نیز با جاهلی خواندن جوامع امروزی، جهاد را به هر دو صورت دفاعى و تهاجمى اعلام کرد. از نظر وى وظیفه ی مسلمانان است که برای استقرار حاکمیت خداوند و آزادى بشریت دست به جهاد بزنند.

اولین گروهى که به صورت عملى از جهاد استفاده کرد، جهاد اسلامى مصر بود. «واجب مکتوم» کتابى است که در آن رهبر این گروه یعنی عبدالسلام فرج، به تبعیت از پیشینیان خود جهاد تهاجمى را مجاز دانست. اشغال افغانستان توسط شوروى و هجوم مسلمانان از سراسر جهان و به ویژه از کشورهای خاورمیانه برای جنگ با روسها، باعث شد تا جهاد بیشتر رادیکالیزه شود. شخصى که در این میان مهم ترین نقش را ایفا کرد عبدالله اعظم بود که ایده ی جهاد را بیش از پیش گسترش داد. اندیشه هاى وى از طریق اسامه بن لادن در سازمان القاعده تجسم یافت. اما تنها کسى که بیشترین نقش را در رادیکالیزه کردن جهاد داشته است، کسى نیست جز اسامه بن لادن؛ او تنها کسى است که کشتن غیرنظامیان، شهروندان عادى و حتى مسلمانان را جایز شمرده و حتى به آن عمل کرد.

با این حال مرورى بر شرایط اجتماعى و سیاسى متفکران رادیکال، از ابن تیمیه گرفته تا اسامه بن لادن نشان مى دهد که اهداف آنها بیشتر از آنکه مذهبى باشد، سیاسى است. ابن تیمیه زمانى اعلام جهاد کرد که مغولها وارد سرزمین اسلام شده بودند. قطب زمانى کشورهای جهان

را جاهلی خواند که دو قدرت شرق و غرب بر کشورهای اسلامی تسلط یافته بودند. فرج و اعضای گروهش زمانی دست به ترور زدند که از فساد داخلی و خارجی رنج می بردند. عبدالله اعظم نیز زمانی اعلام جهاد کرد که شوروی به افغانستان حمله کرد. در واقع در پاسخ به شکستهای متوالی جهان اسلام در مقابل قدرتهای استعماری اروپایی، «جامعه ی اسلامی همانند قرنهای گذشته یک پاسخ فرهنگی به این بحران داد: بازگشت به اسلام و اصول بنیادی اش». {77}

همان طور که جان اسپوزیتو نیز متذکر می شود، اسامه بن لادن از نارضایتی های موجود در بین مسلمانان جهان اسلام از قبیل بحران فلسطین، حضور آمریکا در خلیج فارس، حضور روسیه در چین و نیز نارضایتیهای داخلی علیه فساد حکومتهای منطقه برای توجیه اعمال خود استفاده می کند. اما «هنجارها و ارزشهای اسلام (در مورد حکومتداری خوب، عدالت اجتماعی، لزوم دفاع از اسلام هنگامی که تحت فشار است) را برای مشروع ساختن استفاده از خشونت، جنگ و تروریسم به دعوت به قیام مسلحانه تبدیل می کند.» در ایدئولوژی چنین گروههایی جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالحرب تقسیم می شود که همدیگر را نفی می کنند. «کسانی که با آنها نیستند، خواه مسلمان و خواه غیر مسلمان، دشمن محسوب می شوند؛ آنها را باید در یک جنگ بدون محدودیت که هیچ تناسبی میان هدف و ابزار وجود ندارد، نابود نمود». {78}

پاورقی ها

- 1-jihadism
- 2-tribalism
- 3-orientalist
- 4-mak
- 5-poppet government
- 6-vanguard
- 7-servants of cow

پانوشتها

- 1- آیت الله حسین نوری، جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366، ص، 13
- 2- همان، ص، 15
- 3- سید حسین نصر، قلب اسلام، ترجمه ی مصطفی شهید آیینی، تهران: انتشارات حقیقت، 1383، صص 314-315.
- 4- jeffrey haynes, understanding contemporary islamic militancy: the case of al- queda , available at :http// www. sgir, org/ conference 2004" and jeffrey) haynes, ai-qaeda: ideology and action , paper prepared for the ecpr jo int) session of workshop , upsala , april 2004. availableat. http: // www. essex. ac. ul/acpr/ .avents/ jo intesessionsa / paperarchive / uppsala/ ws3 / hayness, pdf
- 5- oliver roy , the failour of political islam, taans. by carol volk , london: i. b. tauris 1994. pp. 153-154
- 6- سید حسین نصر، صص، 313-314
- 7- آیه ی 190 سوره ی بقره و آیه ی 2 سوره ی مائده
- 8- آیه ی 256 سوره ی بقره

- 9- آیه ی 9 سوره ی ممتحنه
10- آیه ی 61 سوره ی انفال
11- آیات 90 و 94 سوره ی نساء
12- برای مطالعه ی بیشتر مراجعه کنید به: خالد ابوالفضل، «تساهل در اسلام»، در یوشوا کوهن و یان لیگ (ویراستاران)، تساهل در اسلام، ترجمه ی محمد تقی دلفروز، تهران نشر کویر، 1383، صص 34-15.
13- سید حسین نصر، پیشین، ص 316.
14- خالد ابوالفضل، پیشین، ص 32.
15- سید حسین نصر، پیشین، صص، 319-320
16- stephan sehwarts , the two faces of islam: the house of saud fr om tradition to terror, new york: doubleday , 2002 , p. 14
17- ژیل کوپل، پیامبر و فرعون، جنبشهای نوین اسلامی در مصر، ترجمه ی حمید احمدی؛ تهران: کیهان، 1375، چاپ دوم، ص 240.
18- از جمله آیات: آیات 2 و 216 از سوره ی بقره، آیه ی 39 سوره ی انفال، آیات 121 و 120 و 21 و 20 از سوره ی توبه؛ آیات 39 تا 41 از سوره ی حج، آیه ی 54 سوره ی مائده؛ آیه ی 15 سوره ی حجرات.
19- ibn taymiyyah, the religious and moral doctrine of jihad , available at <http://www.sullivan.county.com/z/tay.html>
20- ibid
21- emmanuel sivan, radical islam: medieval theology and modern politics , new haven: yale university press, 1990 , p. 101
22- johanne j. g. janson , the neglected duty: the creed of stadat's assassins and islamic resurgence in the middle east. new york: memillan, 1986, pp. xi-xiii
23- dougkas e. streusand , what does jihad mean? , middle east quarterly , no. 4, september 1997 , p. 5
24- david zeidan , the islamic fundamentalist view life as a perennial battle , middle east review of international affaires, no. 4, pp. 26-53, december 2001. pp. 29: also :available at <http://www.meria.ide.ac.illjournal/2001/issues4/zeidan.pdf>; and: barry and judith rubin, anit-american terrorism and the middle east, oxford university press 2002, pp. 11-26.
25- ibid , p. 42
26- rohan gunaratna , inside al-qaeda: global network of terror , new york: columbia university press, 2002, p. 86
27- سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ترجمه ی سید هادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی 1368، چاپ چهارم، صص 218-219.
28- سید قطب، ما چه می گوئیم؟، ترجمه ی سید هادی خسروشاهی، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1372، چاپ بیست و دوم، صص، 37-38.
29- همان، ص، 39.
30- سید قطب، پیشین، صص 49-51.

- 31- همان، صص 3-51.
- 32- sayed qutb, milestones , ch. 4, available at: <http://www.yongmuslims.ca/online-library/books/milestones/hold/>. usp
- 33- سید قطب، معالم فی الطريق، بیروت، قاهره، 1980، صص، 60-61، در: ژیل کوپل، پیامبر و فرعون پیشین؛ و: qutb, milestones , ch,4.
- 34- کوپل، پیشین، ص، 57، و: مجید مرادی، «تقریر گفتمان سید قطب»، نشریه علوم سیاسی، سال ششم، شماره 21، صص 195-216، بهار 1382، ص 213.
- 35- qutb, milestones, ch, 4
- 36- .ibid
- 37- سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ص 62.
- 38- از جمله: آیات 74 تا 76 سوره ی عمران؛ آیات 38 تا 40 سوره ی انفال؛ آیات 29 تا 32 سوره ی توبه.
- 39- qutb, milestons, ch. 4
- 40- gilles kepel, jihad: the trail of political iskam, trans, by anthony roberts. 40- .massuchestts: harvard university press, 2002 , p. 86
- 41- abd al – salam faraj , al- faridah al- ghaibah, pp. 60-61, in: johannes j. g. jansen, 41- the neglected duty: the creed of sadat s assassins and islamic resurgence in the .middle east, new york: mcmillan publishing company, 1986, pp. 159-235
- 42- .ibid. pp. 166-167
- 43- .ibid. p. 169
- 44- .ibid. pp. 172-174, 45, ibid. pp. 192-193
- 46- .ibid. pp. 199-200
- 47- .ibid. pp. 193-197
- 48- کوپل، پیشین، صص 129-138.
- 49- .kepel. op. cit, pp. 138-139
- 50- quin ton wiktorowics, the new global threat: trunsnational salafis and jihad: , 50- .middle east policy, december 2001, vol. viii, no. 4, pp. 18-38
- 51- jason burke. al-queda: casting a shadow of terror, london , new york: i. b. tauris .and co ltd, 2003. p. 68; and: kepel. op. cit. pp. 144-145
- 52- yoram sehweitzer and shaul shay, the globalization of terror: the chackenge of al- qaeda and the response of the international community, new bruswick (u. s. a) and .london: transaction publishers, 2003 , pp. 22-23; and: kepel , op. cit, pp. 145-146
- 53- :abdullah azzam, jo in the caravan; al- jihad fesibillah, part, i, available at <http://www.religioscope.com/info/doc/jhad/azzam-caravan-1-forward.html>
- 54- :abdullah azzam,defense of muslim lands. ch. 1, avsilable at <http://www.inslamistwatch.org/texts/azzam/defense/ack.html>
- 55- .azzam. jo in the caravan, parts , 2 and 3
- 56- .azzam, defens of muslim lands, ch. 3
- 57- .azzam, jo in the caravan, conelusion
- 58- .azza, defense of muslim leands, ch. 4

tom knowltn, zawahiri- not bin laden – is the top target, (03-05-2003) , available 59-
:at
.http: // www. sullivan-county. com/z/sftt. htm
.zeidan , op. cit,p. 43 60-
john gray, ai-qaeda and what it means to be madern , new york and london: the 61-
new press, 2003 , pp. 78-79; and: burke, op. cit, pp. 4-5; and schwarts, op. cit, pp.
.164-165
.sehweits and shay , op. cit, pp. 23-24 62-
chirstopher m. blanchard, aiqaeda: statements and ideology, novembr 16. 2004. 63-
:available at
.http: //www. fas. org/irp/crs/rs21973. pdf
bin laden , declaration of war against american occupying the land of the two holy 64-
:places, (26/8/1996) , available at
.http: //www. azzam. com/html/articlesdeclaration. html
osama bin laden , statement: jidad against jews and crusaders, february 23, 1998. 65-
pp. 149-150. in: barry rubin and judith colp rubin, anti- american terrorism and the
.middle east , oxford university press, 2002, pp. 149-151
برنارد لوئیس تحلیل خوبی از این فتوا و دلایل تاریخی آن ارائه کرده است، رجوع کنید به:
bernard lewis. lieense to kill; usama bin ladan’s declaration of jihad , foreign affairs ,
(vol, 77, no. 6 ,pp. 14-19 (november/december 1998
osama bin ladan, inteviu with bin ladan at ai- jazzera television , decamber 1998 66-
., p. 155. in, barry and judith rubin , op. cit, pp. 151-157
.burke. op. cit, p. 35 67-
ayman al- zawahiri, knights under the prophts banner, serialized in ai-sharq al 68-
awast (london) 2-10 decamber 2001 , tran. foreign broadcast information service.
document fbis- nes-2001-1202 , maintained on – line by the federation of american
.scientisis
.http: //fus. org. irp/world/para/ayman-bk. html
ai- qaeda, a statement fr om quidat al – jihan regarding the mandates of the 69-
:heroes and logality of the operations in new york and washington, available at
.http: //www. mepc. org/public-asp/journal-vol10/alqaeda. html
.ibid 70-
.ibid 71-
.ibid 72-
.ibid 73-
quin ton wiktorowies and john kaltor, killing in the name of islim; ai-qedas 74-
.jistification for september 11, middle east policy , vol. x
michal doran , the pragmatic fanaticism of ai qaedal an anatomy of extremism in 75-
middle eastern politics, science quarterly, (6/22/2002). no, 2,pp. 76-92, summer 2003,
:p. 80. availabli at

<http://www.ibauza.net/doran.htm>

76- سید حسین نصر، پیشین، ص، 330.

77- هرایر دکمیجان، جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب. ترجمه ی حمید احمدی، تهران، کیهان، 1377، چاپ سوم، ص 21.

78- جان اسپوزیتو، «مبارزه در اسلام»، در: یوشوا کوهن و یان لیگ (ویراستاران). تساهل در اسلام، ترجمه ی محمد تقی دلفروز، تهران: کویر، 1383، ص، 85-92.